



از ایرانم از سر آزادگان

سازمان آزادگان

استراتژی سرنگونی رژیم و دیدگاه آزادگان برای ایران نوین

اوضاع در گذشته نزدیک و زمان حاضر:

بررسی فرمانروائی بیست و هفت ساله فقها مؤید این است که این فرمانروایان مذهبی دارای هیچگونه مشروعیت سیاسی، معنوی و مذهبی در ایران نمیباشند. کلیه دست اندرکاران رژیم در هر رتبه و مقام مذهبی (طلبه، شیخ، شیخ الاسلام، آیت الله، ...) اعم از اصلاح طلب و بنیادگرا صرفنظر از رنگ عمامه، فقط برای یک هدف تلاش نموده اند و میکنند و آن چیزی نیست جز حفظ، ادامه و توسعه فرمانروائی آخوندی، آنهم به هر قیمت ممکن. اما تامین این هدف آخوندی برای مردم ایران تا بحال بسیارگران تمام شده است و عاقبت نیز به تخریب و نابودی مملکت می انجامد.

خفقان سیاسی و سرکوبگری، روش متداول و معمول رژیم بوده و فساد و سوء استفاده های مالی سر به آسمان کشیده است. امروز مدیریت فاسد و غلط حکومت، به ویژه در امور مالی کشور، میانگین سطح زندگی مردم را کمتر از سی سال پیش ساخته است. قبلاً رژیم برای مدت هشت سال، گناه همه مصائب را بگردن جنگ با عراق میگذاشت که خود ردیلاته آتش بدامن آن زده بود.

در سال ۱۹۸۹ هاشمی رفسنجانی با اعلام یک برنامه به اصطلاح مترقی (پیشرو) بقدرت رسید. رسانه های جهانی او را آخوندی میانه رو معرفی کرده و بسیار امیدوار شدند که بتواند درهای بسته کشور را باز نموده دوباره با آمریکا رابطه برقرار کند و اقتصاد کشور را بهبود بخشد. اما بجای تحقق امیدهای اشاره شده، قتلهای زنجیره ای در ایران و جهان آغاز گردید. وی در ابتدا با تردید و مالا با اطمینان به دخالت در قتل رهبران کُرد اپوزیسیون متهم شد. با این وجود دولت رفسنجانی به پشتیبانی از تروریسم جهانی ادامه داد. درست در دوران هم او بود که به دلیل گسترش فساد مالی مدیریت اقتصادی کشور بیش از پیش خراب شد. لذا به جرأت میتوان گفت بزرگترین دست آورد رفسنجانی ترکیب دزدی و فساد با حاکمیت و نهادینه کردن حکومت دزدان است. تنها دست آورد رفسنجانی در زمینه به اصطلاح رابطه با آمریکا همانا انجام چند مصاحبه با خبر نگاران آمریکائی و استقرار مبلغین و دلالاتی در واشنگتن جهت آرایش و صیقل دادن چهره کریه خود در خارج از ایران بود.

در سال ۱۹۹۷ آقای خاتمی، به اصطلاح میانه رو تر از آقای رفسنجانی، جانشین وی شد. او با تظاهر به سیاست درهای باز و پیاکی و آراستگی، سخنان بی محتوایی در مورد "حکومت قانون" بر زبان راند، ولی نتوانست درهای بسته سیستم را باز کند و اقتصاد کشور را بهبود بخشد. در دوران هشت ساله رئیس جمهوری این شخص، فساد همه جانبه حکومتی، نقض حقوق بشر در ایران و قتل های زنجیره ای بصورتی دیگرهمچنان ادامه داشت. زندانیان سیاسی مورد شکنجه و تجاوز جنسی نیز قرار گرفتند و به قتل رسیدند، که خود بیانی مضحک از مفهوم میانه روی در جمهوری اسلامی است.

به واقع، بر مبنای شواهد و مدارک، اهداف و خواسته های دولت خاتمی دقیقاً در راستای مقاصد آخوندهای حاکم بر سرنوشت مردم قرار داشت. به عنوان مثال باید یاد آور شد که بنیادگرایان اسلامی قدرت سیاسی و قوه دادگستری را به انحصار خود در آوردند و با آن دست آوردهای مشروطیت را لگدمال نمودند.

اما وقتی خاتمی اوضاع کشور را بهم ریخت و کلافی سردرگم آفرید، ملاهای حاکم با تلاشی مذبحانه و مزورانه، بخاطر حفظ فرمافرمانی خود، در انتخاباتی ساختگی و مهارشده، آقای محمود احمدی نژاد را، در واقع بریاست جمهوری، منصوب نمودند. این آقای رئیس جمهور منتخب و برگزیده آیت الله "مرموزی به نام" مصباح یزدی، مورد تائید آیت الله های تند رو قم و همینطور مورد حمایت و پشتیبانی آیت الله خامنه ای "رهبر عالی" نیز می باشد. احمدی نژاد مناسب ترین کاندیدانی بود که میتوانست از معامله و ساخت و پاخت رفسنجانی مکار و خودباخته با آمریکا جلوگیری کند زیرا وی برخوردار از سه تخصص - در ایدنولوژی الهامی - در تاریخ که با نفی هولوکاست شهرتی جهانی یافته - و بالاخره در جغرافیای سیاسی که "حذف اسرائیل از نقشه دنیا" را شامل میشود، است. این گونه کارائنها غیر عقلانی، عقب گرا و در راستای نیستی سرزمین ایران قرار دارند. با توجه به اینکه احمدی نژاد صد در صد مؤمن به انقلاب اسلامی و مورد حمایت بخش تندرو پاسداران است، ملاحظه میشود که چه قدرت مخرب و جنگ طلبی در ایران با عاقبتی هولناک و نامعلوم انسجام یافته است.

کسانی که به امید گرایش جمهوری اسلامی به میانه روی، در راه مذاکره با رژیم تلاش میکنند، اشتباه فکر میکنند. چه جمهوری اسلامی تصاویر واقعی را معکوس نشان میدهد. بعلاوه اینان در برآورد خود با اوضاع سیاسی دچار اشتباه بوده و از رابطه واقعی ایرانیان با ملاهای حاکم بی اطلاعند و نمیدانند که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان چه در پنهان و چه آشکارا جمهوری اسلامی را رد میکنند و از آن بیزارند.

بعلاوه از زمان انتخاب آقای احمدی نژاد آسیب پذیری رژیم روزافزون شده و باوجود سرازیر شدن پول های نفت، اقتصاد کشور که مدت ها در حال رکود بود به حال تقریباً توقف درآمده است. در چنین وضعیتی که مردم بسیار خشمناک و عصبانی نیز می باشند، آخوند های بلند پایه! بجای ملامت دولت بطور روز افزون با یکدیگر بر سر حفظ قدرت در نزاعند.

حدود سه ماه پس از انتخاب احمدی نژاد در اوائل اکتبر ۲۰۰۵ بازار بورس تهران سی درصد سقوط نمود. بنا بر گزارش منابع متعدد ده ها بلیون دلار به خارج از کشور و اکثراً به امارات متحده عربی منتقل گردیده است. این خروج سرسام آور ثروت به خارج از کشور درست در زمانی صورت میگیرد که اقتصاد کشور نیاز به تزریق پول دارد.

اکثر صنایع کهنه بوده برای سرپا ماندن و رقابت نیاز به سرمایه‌گذاری دارند و این درحالی است که عدم ثبات سیاسی و شیوع روزافزون فساد، صاحبان صنایع را وادار میکند سرمایه‌هایشان را به محلی امن درخارج از کشور منتقل نمایند.

خروج سرمایه‌های معنوی یعنی دانش‌آموختگان، خردمندان و مغزهای متفکر و قدرتمند مشکل دیگری است. نبود موقعیت‌ها و امکانات اقتصادی، نرخ دورقمی بی‌کاری و خفقان سیاسی باعث شده است که بهترین و فرهیخته‌ترین فرزندان کشور در اولین فرصت ممکن کشور را ترک کنند. با خروج این سرمایه‌های معنوی بطور گروهی امید هرگونه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی نیز کم رنگ میشود. درحقیقت این طبقه مدیریت آینده‌کشور است که مهاجرت میکند. نکته بسیار مهم اینست که نسل درحال فرار، اولین نسلی است که بعد از انقلاب سال ۱۹۷۸ بدنیای آمده، رشد یافته و آموزش دیده است. این واقعیت خود به تنهایی نمودار اینست که رهبری مذهبی جمهوری اسلامی از هر لحاظ با شکست روبرو شده است.

تمام نشانه‌های موجود حاکی از اینست که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با آخوندهای حاکم مخالف بوده آماده‌اند که از اقدام مدیرانه برای براندازی رژیم پشْتیبانی کنند بشرط آن که مطمئن شوند این اقدام آتش جهنمی را که جمهوری اسلامی در ایران افروخته است فروزان تر نخواهد کرد.

ملت ایران نمیتواند بیش از این نقض حقوق خود را تحمل کند، مردم ایران مصمم‌اند به زندانی کردن دلخواه و غیر قانونی، شکنجه شخصیت‌های اپوزیسیون، مدیریت غلط و فساد اقتصادی، نرخ سرسام‌آور بیکاری و خفقان‌کننده و خودسری ملامها خاتمه دهند.

سیاست منحرف‌کننده و سیال و رفتار عجیب و غریب و غیر متداول جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی رژیم را بیش از پیش منزوی نموده و در واقع دست منابع سرمایه‌گذاری بین‌المللی را قطع کرده است، جایگزین کردن منافع رژیم جمهوری اسلامی با منافع ملی و همگون جلوه دادن این منافع کاملاً مغایر یکدیگر، دلیل دیگر بی‌زاری مردم ایران از رژیم است. افزودن به عدم ثبات منطقه کم‌ثبات خاور میانه که عامل آن جمهوری اسلامی میباشد، تهدیدی برای موازنه جهان است، گزارشات متعدد در داخل کشور حاکی از این است که کشور نزدیک به انفجار بوده اوضاع برای فروپاشی رژیم کاملاً آماده است. جمهوری اسلامی با شدت و حدت تمام در پی اتمی شدن است، رژیم از درک این واقعیت عاجز است که جامعه بین‌الملل، اتمی شدن جمهوری اسلامی را تحمل نخواهد کرد و اجازه نخواهد داد رژیم که منبع تقویت مالی و پشتیبانی معنوی و لجستیک تروریسم است به اسلحه اتمی دست پیدا کند.

گرچه بین خود ملامهای حاکم منازعه و مسابقه قدرت وجود دارد ولی همه آنها در پیشبرد انقلاب زهرآگین آیت‌الله روح‌الله خمینی تا مرحله سقوط ایران بدوران سیاه بربریت متحد میباشند، درست به این دلایل ما باید و میتوانیم ملایان را ساقط کنیم.

سازمان آزادگان:

در سال ۱۹۸۱ گروهی از دانشجویان و نظامیان که با جهت گیری انقلاب اسلامی مخالف بودند تحت رهبری تیمسار ارتشبد دکتر بهرام آریانا که مردی ملی و انسانی درستکار بود در اروپا گرد هم آمده سازمان آزادگان را ایجاد نمودند.

هدف از تشکیل سازمان آزادگان این بود که نیروهای اپوزیسیون را متحد نموده ملت ایران را در عقب راندن نیروهای ارتجاعی ایران تقویت کند. با وجود نیت خیر خواهانه و تلاشهای قهرمانانه بعضی افراد، اشتباهاتی رخ داد که تلاشهای سازمان بی نتیجه ماند و فعالیت سازمان برای چند سال راکد شد. در سال ۱۹۸۷ دکتر اسد همایون که یکی از بنیانگذاران آزادگان در آن زمان بود، تنی چند از هموطنانی را که در آمریکا زندگی میکردند گرد هم آورده سازمان آزادگان را باز سازی کرده و در سال ۱۹۸۸ شعبه ای از آن را در ایران نیز تاسیس نمود. اعضاء محدود این سازمان را متخصصان و کارشناسان در زمینه های مختلف تشکیل میدهند که همگی معتقد به ایجاد ایرانی دموکراتیک، میانه رو و معتدل، سازنده، پیشرو و طرفدار غرب میباشند.

هدف سازمان آزادگان جدید این بوده و هست که یا راسا در زمان مناسب ایران را آزاد کند و یا حد اقل در این زمینه کمک نماید. به منظور حفظ استقلال سازمان و جلوگیری از نفوذ عوامل مخرب، عضویت سازمان محدود و فقط از طریق دعوت بوده است. آزادگان همواره باور داشته است که ایران میتواند و باید فقط با همت خود ایرانیان آزاد شود. در بیست سال گذشته آزادگان همواره از تمامیت ارضی ایران بر مبنای اصول دموکراتیک، احترام به حقوق بشر، اعتقاد مطلق به عدالت، تساوی زن و مرد و طرفداران ادیان و مذاهب مختلف در مقابل قانون و اقتصاد بازار آزاد پشتیبانی نموده است.

دکتر اسد همایون و اعضاء سازمان آزادگان عمیقا معتقدند که صلح و ثبات خاور میانه، آینده معاهده منع گسترش سلاح های اتمی و نظم جهانی همه در گرو تغییر رژیم ایران از یک رژیم مذهبی به حکومتی جدا از دین، و مردم سالار است.

امروز دیپلماسی غرب دچار سقط جنین و ناکام شده است و نمیتواند راه حل مشکلات ایران باشد، حتی تحریم اقتصادی طرز فکر و رفتار سیاسی رژیم را تغییر نخواهد داد. بعلاوه جنگ نیز کارا نیست چون میتواند ثبات منطقه بزرگ خاور میانه را برهم بزند.

تنها قدرتمند ترین نیروهای اجتماعی و سیاسی که در داخل ایران اقامت دارند مخصوصا نسل جوان و میان سال ناراضی، توانا به تغییر شکل حکومت در ایران است. اما برای اجرای آن نیاز به یک طرح بزرگ، یک استراتژی عملی و یک رهبری قدرتمند با جاذبه ملی دارد تا بتواند انگیزه لازم را برای این نیروهای بالقوه فراهم سازد و آنها را بسوی یک پیروزی بزرگ هدایت نماید.

در چند کلمه میتوان گفت آزادگان طریقی برای تغییر رژیم و ایجاد ایرانی نو، ایرانی آزاد شده از سلطه ملایان مستبد، خودسرو ظالم، جامعه ای سکولار و مترقی با یک رهبری متحد و قوی در دست دارد.

آزادگان قویا معتقدست که مردم ایران اینک خواهان تغییر رژیم اند، آزادگان و دکتر اسد همایون پرزیدنت این سازمان، آماده و مصمم است و توانائی دارد که مسئولیت رهبری مردم ایران را برای اجرای طرح آزاد سازی به عهده بگیرد،

آنان را در مراحل خلع ید از رژیم جمهوری اسلامی (که برابر سوابق مستند در نقض حقوق بشررتبه اول را دارد)، یعنی پایان بخشیدن به خفقان، فقر، بدبختی، نکبت و قطع پشتیبانی از تروریسم، هدایت و یاری دهد.

سازمان آزادگان برخوردار از توانایی و آمادگی لازم و کافی برای قبول رهبری، جهت استقرار یک حکومت ملی، مستقل، سکولار، مردم سالار مبتنی بر خواست و نیاز مردم و برپایه احترام به حقوق بشر می باشد.

دکتر اسد همایون به رژیم گذشته و کنونی وابستگی ندارد ولی تقریباً با تمام گرو های اپوزیسیون در داخل و خارج کشور در تماس بوده با همه آنان روابط مناسبی دارد. از آنجا که ایشان سوابق سیاسی گسترده و بدون خدشه و خللی دارند، و از آنجا که به عنوان یک سیاستمدار و استراتژیست سیاسی، و یک سازنده جدی شهرت دارند بسیاری از رهبران اپوزیسیون در داخل و خارج کشور با وی بطور منظم در تماس بوده و هستند و از نظرات و راهنمایی های ایشان برخوردار میباشند. دکتر اسد همایون با افسران سابق در داخل و خارج ایران در تماس بوده با بعضی از افسران ارتش و نیروهای انتظامی در رژیم کنونی رابطه برقرار نموده است. نیروهای مسلح اعم از ارتش و سپاه پاسداران ایشان را بعنوان پشتیبان غیرمتزلزل و تحسین کننده دائم خویش می شناسند، به عقیده دکتر همایون این نیروها واقعا وطن پرست بوده و این امر را در دفاع قهرمانانه از ایران در تهاجم عراق به کشورمان ثابت نموده اند، نیروهای مسلح ایران برابرسوابق خود همواره با مردم ایران همراه و در مبارزات جاری به رهبری دکتر اسد همایون نیز همراه میباشند.

استراتژی آزادگان برای آزاد ساختن ایران بطور خلاصه

چهار نکته زیر بیانگر استراتژی ما برای خلع ید از رژیم ملایان و سپردن قدرت بدست مردم ایران میباشد:

۱- فشار بر ملایان حاکم از طریق اعمال نفوذ در نظرات ملی و بین الملل:

این کار را میتوان با دانش و مدیریت حرفه ای و با کاربرد رسانه های نوشتاری و الکترونیکی و نیز از طریق جنگ های روانی به پیش برد، آزادگان نیروی انسانی لازم را برای این کار در اختیار دارد، کمکهای مالی برای این منظور باید از طرف ایرانیان ایران دوست تامین شود.

۲- تشکیل دولتی در خارج کشور با هماهنگی نیروهای داخل کشور در زمان مناسب و ممکن

آزادگان در فراهم کردن نیروهای لازم برای این امر می اندیشد و می کوشد.

۳- اخطار به ملایان حاکم توسط رابط ها و منابع انسانی

پس از یک سلسله نمایش قدرت، اخطار به ملاهای حاکم با استفاده از رابطه ها و منابع انسانی در داخل کشور از جمله مقامات سپاه پاسداران و بسیج که در دام فریب رژیم نبوده و یا از این دام گریخته اند، به آنها تفهیم خواهد شد که ملاها دیگر چاره ای جز ترک مقام ندارند.

بر مبنای یک تخمین قرین به صحت، حدود سی در صد سپاه انقلاب و تقریباً پنجاه درصد از بسیجیان تا این زمان هنوز طرفدار رژیم میباشند، ولی حقایق و وقایع ثابت نموده اند که اکثریت بزرگی از همه نیروهای مسلح در اصل خود را مدیون میدانند که با منافع ایران و مردم همراه و هماهنگ باشند، آنان از حقیقت درد آور مدیریت غلط کشور توسط ملاها آگاهی دارند. این نیروها در کناری نخواهند ایستاد تا کشور بیش از این نابود گردد، و در زمان مناسب که چندان دور هم نخواهد بود به سازمان آزادگان و مردم ایران خواهند پیوست. آزادگان ارتباطات و زمینه های لازم را برای این امر فراهم نموده است.

۴- تبدیل تظاهرات کنونی به قیام ملی و مآلا خلع ید از رهبری موجود و انتشار بیانیه ای جهانی در این زمینه

سازمان آزادگان می کوشد با بکار گیری عوامل و ابزار موجود، ناکامی های ایرانیان و امید هائی را که در راه است برای آنان بازگو نماید تا تظاهرات کنونی به یک رستاخیز ملی و همه گیر گسترش یابد (Pronunciamento) که در نهایت به خلع ید از رژیم تبدیل خواهد شد.

پس از اطمینان از تحقق این امر، مردم ایران و ملل آزادیخواه جهان طی بیانیه ای از برکناری رژیم جمهوری اسلامی مطلع گردیده به آنان قول و وعده ایجاد یک ایران متحد، قوی، مترقی، سکولار و مردم سالار داده خواهد شد.

باید توجه داشت که با وجود بیست و هفت سال خفقان سخت، تهدید و ترس دائمی از زندانی شدن و مجازات های سخت، ایرانیان بوضوح در مقابل رژیم ایستاده اند و با سیاستهای آن مبارزه میکنند. منتها با توجه به فشار و ترور رژیم در داخل برای ایرانیان داخلی این ابتکار و آزادی عمل وجود ندارد بهمین مناسبت اپوزیسیون خارج ناچار است این مسئولیت را بعهده بگیرد، تا پیام های سیاسی و اجتماعی مردم تحت فشار ایران را به جهانیان برساند و حمایت افکار عمومی را برای کمک و پیروزی آنان جلب نماید.

برنامه آزادگان برای ایجاد ایرانی نو (بطور خلاصه)

الف- سیاست داخلی:

۱- برای ایجاد و نهادینه کردن یک حکومت سکولار و مردم سالار، ملاها باید برای اولین و آخرین بار به مساجد فرستاده شوند، جدائی دین و سیاست باید در قانون اساسی کشور نهادینه شده امکان بوجود آمدن مرحله ای دیگر از حکومت مذهبی برای همیشه از بین برود، برای اطمینان از اتحاد کشور و تمامیت ارضی کشور ملاً ها باید از مقامات خلع گردند.

۲- برای حفظ منافع ملی لازم است انتقال قدرت بطور صلح آمیز صورت گیرد. از خونریزی و کینه جونی باید جلوگیری شود. آزادگان باوردار که پس از انتقال قدرت بطور مسالمت آمیز، با موافقت مردم باید به همه عفو عمومی داده شود، کسانی که دست به جنایات بزرگ بر علیه مردم زده اند، دستشان بخون ایرانیان آلوده میباشند و یا شاکتی خصوصی دارند باید به دادگاه های صالحه تحویل داده شده از حفاظت قانونی برخوردار گردند. از نظر ملاهای حاکم نیز ارجح است که تغییرات با اعمال روشهای مسالمت آمیز انجام شود، زیرا نه تنها چنین انتقالی به اتحاد و یک پارچگی کشور کمک مینماید بلکه حفاظت فیزیکی ملاهای حاکم و خانواده آنان را نیز تضمین خواهد کرد، اگر ملا ها آنقدر عاقل باشند که درک کنند زمانشان پایان رسیده تسلیم خواست

ملت شده قدرت را صلحجویانه واگذار خواهند کرد. ولی به هر حال صرفنظر از تصمیم آنان جابجایی قدرت باید انجام شود و بهر قیمتی انجام خواهد شد.

۳- مفاد منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد باید در قانون اساسی کشور درج شود، تساوی حقوق همه صرفنظر از جنسیت، مذهب و باورسیاسی باید تضمین گردد، دسترسی به سازمانهای دولتی در هر رده ای برای عموم شهروندان ایرانی باید ممکن باشد.

۴- زنان باید از حقوق طبیعی در تمام مراحل سیاسی و پیشرفت های اقتصادی برخوردار باشند. نقش زنان در تمام جوامع پیشرو، اساسی و پر اهمیت است، ارزش و اهمیت کشورها بر مبنای رفتارشان با بانوان تعیین میشود، جمهوری اسلامی با زنان به عنوان شهروندان درجه دوم رفتار نموده است، اسلام بنیادگرا همواره بدترین دشمن حقوق زنان بوده است، در هیچ زمانی با زنان کشورما به اندازه دوران جمهوری اسلامی و توسط رژیم ملایان با قساوت، شقاوت و بی رویه رفتار نشده است. آنان حتی قانونا مقهور و تحت انقیاد میباشند، این وضع باید خاتمه یافته و آزادی زنان و تحصیلات آنان باید از تقدما باشد. ما اطمینان داریم که زنان ایران شانه به شانه مردان در آزادی ایران و ساختن ایران نوین مشارکت خواهند کرد.

۵- در اولین فرصت مناسب باید مجلس مؤسسان با شرکت نمایندگان همه مردم و تضمین حقوق و آزادیهای اصولی از جمله آزادی گفتار، دین و اجتماعات تشکیل شده، قانون اساسی را تدوین و ساختار نهائی حکومت را مشخص نماید.

۶- آزادگان برای اینکه بتواند هدف خود را انتشار داده در اسرع وقت یک حکومت دموکراتیک در ایران مستقر نماید، اقدامات لازم را برای ایجاد یک دولت موقت انجام خواهد داد، تا این دولت موقت بتواند بر مراحل انتقال قدرت نظارت نماید.

۷- ایجاد یک دولت مقتدر الزامی است ولی نقش چنین دولتی باید تشریح شده باشد، تکلم به زبان واحد (فارسی) و داشتن شناسنامه ایرانی برای همه الزامی است ولی تمرکز زیاد به نفع سلامت ملی نیست، بعلاوه زمان حکومت های با کنترل شدید مرکزی بسر آمده است، برای فرهنگ ها، زبان ها و آداب و رسوم محلی باید احترام قائل شد، و حکام محلی و ایالات باید توانایی حل مسائل مربوط به منطقه خود را با پشتیبانی دولت مرکزی داشته باشند. دولت مرکزی باید در این امر برای حفظ آداب و رسوم و اختیارات محلی هرگونه کمک لازم را بعمل آورد.

ب- اقتصاد:

۱- آزادگان طرفدار اقتصاد بازار آزاد بشرط تطابق آن با جامعه ایران است. این سازمان مصمم است وضع اقتصاد ایران را در اسرع وقت بهبود بخشیده زیربنای اقتصادی، صنعتی و کشاورزی مغشوش و درهم کنونی را بازسازی کند آزادگان برای حصول این اهداف یک سیستم مدرن و مترقی مدیریت ایجاد خواهد نمود.

۲- هرنوع رشد و توسعه، پیشرفت و ترقی با بهبود وضع اقتصادی مردم صورت بگیرد.

۳- پیشبرد واقعی اقتصاد کشور تنها از طریق روابط اقتصادی نزدیک با کشورهای صنعتی و هماهنگی کامل اقتصاد جهانی ممکن است، آزادگان این اصول را رعایت خواهد کرد.

ب- مسائل دفاعی و امنیتی کشور:

۱- گرچه بخش کوچکی از نیروهای مسلح و انتظامی ایران عامل جنایات آخوندها بوده اند و لی این نیروها اعم از ارتش، سپاه پاسداران، سازمان بسیج و نیروی انتظامی ضامن یکپارچگی، استقلال و تمامیت ارضی ایران بوده اند. با وجود رهبری غیرقانونی رژیم کنونی، نیروهای مسلح ایران میهن پرستانه و شجاعانه عمل کرده اند. به همین دلیل نیروهای مسلح ایران باید بازسازی و غیرسیاسی شده به سیستم ها، آموزش ها و دکترین پیشرفته مجهز گردند.

۲- آزادگان از هروسيله واقدا می در چهارچوب موافت نامه های منطقه ای و بین المللی که در تقویت و تامین حفاظت و یکپارچگی ملی موثر و مفید باشد پشتیبانی خواهد کرد.

۳- برای حفظ یکپارچگی کشور و جلوگیری از فروپاشی و تجزیه و نیز بمنظور جلوگیری از تهاجم خارجی بازسازی قدرت دفاعی کشور از تقدم بالا برخوردار خواهد بود.

ت- سیاست خارجی:

۱- سیاست خارجی کنونی کشور که بر مبنای اشاعه ایدئولوژی اسلام انقلابی است مخالف و مغایر منافع ایران، ثبات منطقه و صلح جهان میباشد، ایران بایستی یک سیاست خارجی مستقل را بر مبنای منافع ملی خود دنبال نماید.

۲- ایران باید وسیله ساز صلح و ثبات در منطقه باشد.

۳- ایران باید به توازن قوا بین کشورهای رقابت گرای منطقه کمک نموده در این زمینه موثر باشد.

۴- ایران باید تمام روابط خود را با همه سازمانها و گروه های تروریست داخلی و بین المللی قطع کرده و این روابط را نفی کرده و ناشایست اعلام نماید، بطور روشن و واضح قطع پشتیبانی خود را از همه تروریستهای دولتی بدون در نظر گرفتن منابع آنان غیر قانونی و مضر اعلام نماید.

۵- ایران باید با همه ملت ها روابط صمیمانه برقرار کند. بمنظور کسب و تثبیت مقام و موقعیت شایسته ای که ایران بعنوان قدرت عمده در منطقه برخوردار است باید در مناسبات دیپلماتیک، اقتصادی و امنیت منطقه نقش اساسی داشته باشد، لازم است تلاش مخصوص برای ایجاد روابط دوستانه با همه قدرت های عمده جهان اعمال گردد.

۶- ایران در زیر لوای یک دولت دموکرات و سکولار سیاست حفظ امنیت و روابط خارجی خود را بر مبنای همکاری با کشورهای همسایه و حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی آنان پایه گذاری خواهد کرد. اختلافات مرزی و ارضی موجود از طرق کانال های دیپلماتیک و با هدف ایجاد یک منطقه امن که اطمینان و همزیستی در آن حکم فرما باشد حل خواهد شد.

ث - فرهنگ:

۱- دو عنصرزبان فارسی و فرهنگ ایرانی، گرامی ترین میراث مشترک ایرانیان، شاخص هویت ملی، و مهمترین اندوخته ایران است. ما به فرهنگ ملی بر مبنای، شکبایی و بردباری و گذشت، عشق به آزادی، هدف های دموکراتیک و رفتارمنطبق بر اصول اخلاق معتقدیم. آزادگان یعنی نامی که ما برای جنبش خود برگزیده ایم در تاریخ و آداب و رسوم ایرانیان قبل و بعد از اسلام ریشه دارد، شاعر بزرگ ایران فردوسی، ایرانیان را **آزادگان** نامیده است. فرهنگ ملی ایران بیانگر اینست که ایرانیان به ندرت و شاید هرگز برای انتشاردین و مذهب متوسل بزور نشده اند. در واقع تاریخ بیانگر نقطه مقابل این امر است، بر مبنای تورات، کورش بزرگ یهودیان را از اسارت بابلی ها نجات داد و هزینه نوسازی عبادتگاه این قوم را در اورشلیم پرداخت نمود. در حقیقت کورش پس از فتح بابل در سال ۵۳۹ قبل از میلاد مسیح و آزاد نمودن همه ملت هائی که در اسارت بابلی ها بودند اولین اعلامیه حقوق بشر را صادر نمود، تورات در هفده آیه مختلف از کورش نام میبرد و او را مسیح و دوست خدا میدانند.

۲- در حالی که فارسی و فرهنگ ایرانی نمودار خصوصیات فرهنگ ملی میباشد، زبان ها، لهجه ها و فرهنگ های محلی نه تنها بایستی محافظت شوند بلکه بایستی تقویت گردند، تنوع همواره باعث تقویت میراث فرهنگ ایران بوده است. بسیار مهم است که این میراث پر ارزش را تقویت کرده به آیندگان بسپاریم.

منابع سه گانه ی پشتیبانی اصلی:

۱- نیروی مردم ایران:

جمعیت ایران اینک بیش از هفتاد میلیون نفر است. اکثریت این جمعیت یعنی حدود پنجاه میلیون نفر غالباً بیکار میباشند یا کارنیمه وقت دارند، سیاستهای منحرف و مخرب رژیم باعث نا امیدی کامل آنان شده است. اگر یک رهبر قوی ایران گرا مردم مبارز ایران را هدایت کند آنان آماده قیام و ایجاد یک جنبش بزرگ انسانی میباشند. زنان که بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل میدهند بر علیه ملایان ظالم و مستبد قیام کرده اند، ما شاهد کارهای دلیرانه بیشماری توأم با شجاعت و از خودگذشتگی توسط مردان، زنان، دانشجویان و روزنامه نگاران بوده ایم که بسیاری از آنها به اعدام های سریع و یا کشتارهای تدریجی بسیار دردناک ختم شده است.

۲- قدرت ایرانیان تبعیدی (بیرون از کشور):

ایرانیان پراکنده در جهان که تعدادشان به پنج میلیون نفر میرسد و بیشتر در اروپا یا آمریکا زندگی میکنند، با درجات عالی تحصیلی، متنفذترین و ثروتمندترین گروه مهاجر میباشند. اگر این ایرانیان در گفتار و عمل باهم متحد شوند سیلی از جوشش و تحرک را می سازند که برگشت آزادی به ایران را تضمین خواهد کرد. لذا ایرانیان خارج از کشور از لحاظ وجدانی و ملی موظف به این اتحادند.

آشکار است که آینده ایران، به ویژه با تسلط بخش بنیادگرای رژیم بر حکومت، بخطر افتاده است. همهء مردم این ورطهء نابودی را به چشم می بینند و بخوبی لمس می کنند. به این جهت دیده میشود ایرانیان خارج از کشور بطور روز افزون فعال ترمیشوند و این خود خبرخوشی است.

۳- نیروی افکار عمومی جهانیان:

روشن است که جهان متمدن نگران سیاستها و استراتژی رژیم آخوندها میباشد، پوشیده نیست که ملاحا پشتیبان و مشوق تروریستها هستند، برای جهانیان آشکار است که رژیم تهران در پیشرفت تلاشها برای ایجاد صلح خاورمیانه کارشکنی میکند و آنچه در قدرت دارد بکار می بندد تا منطقه را نا امن کند. آقای احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم ملانی ایران آشکارا کرارا اعلام کرده است که اسرائیل باید نابود شود. این اعلام انزجار برانگیز و غیرمسئولانه باعث ابراز تنفر جهانیان گردیداست، بخصوص که افکار عمومی جهان خود درحقیقت یک ابر قدرت، یک نیروی عظیم است. آزادگان اطمینان دارد که با این وضع هنگامی که مردم ایران برعلیه رژیم بپاخیزند از پشتیبانی جوامع بین المللی برخوردار خواهند شد.

یادداشت پایانی:

در این لحظات سرنوشت ساز تاریخ، ایران نیاز به یک دولت قوی وقانونی دارد که از پشتیبانی و همکاری کامل مردم کشورمان و نیز از احترام بین الملل برخوردار باشد. برگرداندن صلح و ثبات به ایران ومنطقه امری حیاتی است، ایران به دلایل وسعت، جمعیت، موقعیت استراتژیک، منابع طبیعی، تاریخ و خصوصیات فرهنگی مهم تر از آنست که در دست رژیم رادیکال و فاشیستی و نفع پرست کنونی باقی بماند. سازمان آزادگان، مصمم است ایران را آزاد کند و در این آزادسازی فقط به مردم ایران متکی میباشد در این جنبش، نقش زنان و جوانان ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. ما با تمام قواو با بکار گیری تمام منابع و امکانات خواهیم کوشید تا آزادی، تساوی و فرصتهای یکسان برای همه مردم ایران را در داخل و خارج کشور برقرار کنیم. اکثریت مردم ایران با سیاستهای داخلی و خارجی رژیم موافق نیستند، همه آنان مدتهاست منتظر روی کار آمدن دولتی مردم سالارند که مصمم به ایجاد صلح و آرامش باشد. ایرانیان تبعیدی (بیرون از کشور) تحصیل کرده که از لحاظ اقتصادی کاملا توانمندند، بخوبی می توانند به جنبش ملی ایران برای آزادی کمک کنند. بسیاری از آنان مایلند از لحاظ مالی کمک نمایند بشرطی که به تحویل مثبت در کشور امید وار باشند و چنین تحویلی را ممکن ببینند و به رهبری جنبش آزادسازی اطمینان داشته باشند.

نظر جهانیان به رژیم تهران در جهت منفی تغییر کرده است. تا کنون رهبری مورد نیاز مبارزات که پشتیبانی روشن، جدی و مثبت آمریکا برای کمک به مردم ایران وحذف رژیم و ایجاد مردم سالاری را جلب کند وجود نداشته. ما در پی کسب این پشتیبانی معنوی و سیاسی هستیم و تا حدودی نیز در این راه موفق شده ایم. اعلام مسئولیت و پذیرش رهبری بوسیله یک شخصیت ایرانی از یک رهبر ایرانی با سابقه، پاک و مصمم بسیار موثر خواهد بود و باعث خواهد شد ایرانیان منسجم شده جنبش متحدی را بوجود آورند. یادآوری این واقعیت لازم است که ایرانیان همواره جامعه ای عمودی یا هرم شکل یعنی (از بالا به پایین) و رهبرگرا بوده اند. در طول تاریخ ایران در بحران ها و تشنجات هرگاه یک رهبر ملی قیام کرده است مردم بلافاصله دور او جمع شده اند با پشتیبانی از این رهبری تحویل لازم را ایجاد نموده اند. البته

لازم است یادآور شویم که درگذشته برای رهبران امکان نداشته تا زیربنای بر مبنای ارزشهای مردمی ایجاد کنند تا پس از این که خود خلع گردیدند و یا رهبری را رها نمودند ثبات کشور ادامه داشته و سیستم ملی پایدار بماند. این نبود بنیاد و اساس سیاسی همواره مشکل ساز بوده باعث و عامل آنارشیسم و ازهم پاشیدن شیرازه امور گردیده است. این اشتباه نباید تکرار شود و تکرار نخواهد شد، آزادگان یک سیستم سیاسی پایدار بوجود خواهد آورد.

خواست مشترک مردم ایران و سازمان آزادگان ساختن ایرانی است مردم سالار، مترقی و پیشرو که متعهد به صلح جهانی و ثبات منطقه باشد.

آزادگان با داشتن طرحی عملی، استراتژی صحیح، ارتباطات لازم و پیشینه ای پاک و قابل پذیرش برای ملت ایران و قدرت های دوست ملت ایران آماده و قادر است ایرانی نو و سکولار ایجاد نماید.

در حالی که ما نیازمند پشتیبانی معنوی و سیاسی مردم و جوامع دموکراتیک جهان میباشیم دکتر اسد همایون معتقدند ایران باید بدست ایرانیان و با کمک مالی خودشان آزاد گردد.

در حال حاضر در ایران نبرد سختی بین نیروهای اهورانی و اهریمنی جریان دارد، ما اطمینان داریم که در این نبرد ملی نیروهای اهورانی بر شیطانی و اهریمن پیروز خواهند شد و سرزمین زرتشت و رستم بزودی رهانی خواهد یافت.

آزادگان اعتقاد و امید دارد که ایران بزودی آزاد خواهد شد، و به یاری اهورمزدا، با هدایت سیمرغ خردمند و روح بزرگ شاه سخنوران و شاعران ایرانزمین، فردوسی بزرگ که همواره ناظر بر کشور ماست و با یاری مردم بزرگ ایران زمین، بزودی ایرانی خواهیم داشت آزاد، مردم سالار و مقتدر.

آزادگان دارای دیدگاهی منطقی برای ایرانی نوین میباشد.

نشان آزادگان اقتباسی از نقش فرَوَهَر یعنی نشان باستانی ایران است که هنوز هم بر روی بسیاری از آثار باستانی مخصوصا در پرسپولیس دیده میشود، در فلسفه ایران باستان فرَوَهَر مظهر و روان نیکی بوده و در هر شخص و هر چیزی وجود داشته است، در باره فرَوَهَر تفسیرهای ژرفی در فرهنگ کلاسیک زرتشتی یعنی اوستا وجود دارد، فرَوَهَر که نام اولین ماه ایرانی نیز میباشد، مظهر و ایزدنیکی ها و نگهبان سرزمین ما ایران زمین و نشانگر روشن نگری و تلاش کلان برای رسیدن به بلند ترین قله انسانیت و نیکی میباشد.



پیام گیر: ۷۰۳ - ۲۰۰-۸۹۷۱ فکس: ۲۰۲-۳۶۳-۵۹۸۵

آدرس: PO Box 40152, Washington, D.C. 20016, USA

تارنما: www.AzadeganIran.com

پست الکترونیک: azadeganIran@cox.net